

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۲ آگست ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۳۵۱

مُلِحْدَنَامَه

- ۱۱۷ -

همچو سَحْبَانِ اَزمان، گَر نکند مولاداد چون کند بی ادبی، لازمه بی ادب است
دادنِ کون نَبُود هیچ عجب، از هیزان^۱ آن، که او هیز بود گر ندهد کون عجب است
با چنین زن جَلَبی، کس نشود همصحبت مگر آن کس، که چُنُو زن جلب و خرنَسَب است

* * *

^۱ نام خطیب بزرگ عرب، که در زمان امیر معاویه می زیست. فرهنگ مُعین در قسمت اعلام این حکایت را در مورد او آورده است، که وقتی معاویه خطاب بدو گفت: «انت اخطب العرب» (تو بزرگترین خطیب عرب هستی)؛ او در جواب افزود: «والعجم والجن والانس» (نه تنها عرب، بلکه عجم و تمام جن و انس!!!) (ترجمه به دری از "خ. معروفی")
^۲ - "هیز" (به کسر اول): کلمه دری ست و به کسی اطلاق گردد، که دارای هردو آلت تناسلی نرینه و زنانه باشد. در اصطلاح به کسی گفته شود، که از نگاه جنسی خنثی یا عقیم باشد. این همان کلمه ای ست، که در زبان عامیانه "هیزک" (ایزک) نامیده می شود. در دیوان حاضر "حیز" نوشته شده بود، که بدین ترتیب تصحیح گردید. این اشتباه در فرهنگ "لغات عامیانه فارسی افغانستان" اثر استاد فقید عبدالله افغانویس نیز دیده می شود!!! (خ. معروفی)